

بررسی صنعت بانک در ایران

بر اساس مدل پنجگانه نیروهای پورتر و تحلیل SWOT

علی اسماعیل پور

دانشجوی مدیریت اجرایی (استراتژیک) دانشگاه پیام نور گرمسار

esmaeelpoor@gmail.com

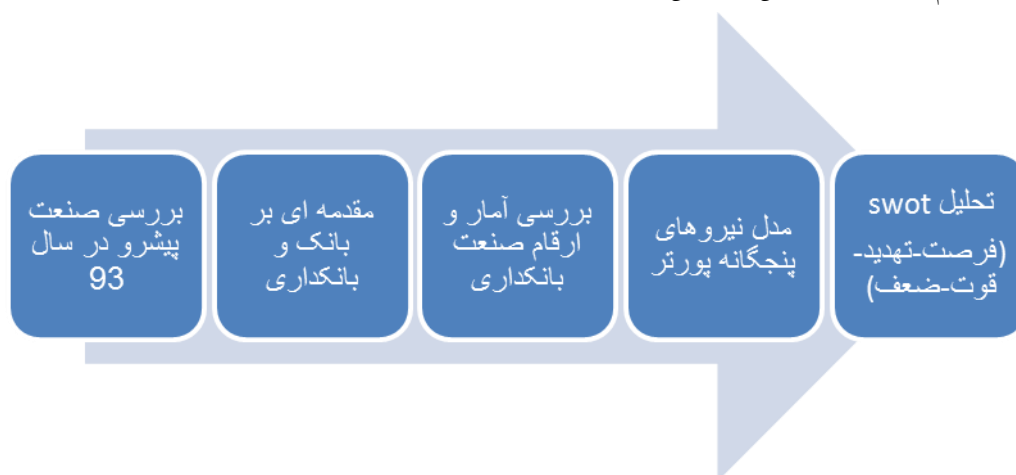
چکیده

یکی از روشهای تحقیقات بازار، تحلیل و شناسایی صنعت‌های مختلف می‌باشد و با توجه به اینکه در هر سال یکی از صنایع بعنوان صنعت پیش‌تاز و به عنوان رهبر بازار شناخته می‌شود و امسال دو صنعت خودرو و بانک پیش‌تازان بازار هستند. بهمین خاطر صنعت بانک انتخاب گردید. روش انجام کار بررسی اصطلاحات این صنعت با استفاده از منابع موجود و همچنین بهره‌گیری از نظرات خبرگان اقتصادی می‌باشد. در مورد انتخاب صنعت بانک بعنوان صنعت پیشرو در سال ۹۳ نیز از روش تحقیق میدانی که توسط پایگاه اینترنتی بورس نیوز صورت گرفته، استفاده شده است.

واژگان کلیدی: صنعت بانک - نیروهای پنجگانه پورتر - تحلیل SWOT

مقدمه

مدل انجام کار در این تحلیل در شکل زیر نشان داده شده است:



شکل ۱: روش انجام تحقیق

صنعت پیشرو در بهار ۹۳

بر اساس گزارش بورس نیوز، طی برگزاری نظرسنجی با عنوان «در فصل بهار کدام صنعت لیدر بازار سرمایه خواهد شد؟» نظر مخاطبان را در خصوص لیدر بورس در بهار سال ۹۳ جویا شده است.

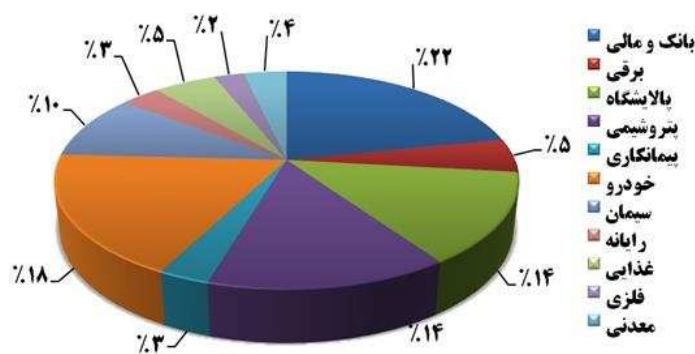
در این نظر سنجی بیش از ۱۱ هزار نفر شرکت کرده‌اند که براساس نتایج بدست آمد، گروه‌های بانک و مالی، خودرو، پتروشیمی و پالایشی بیشترین آراء را به خود اختصاص داده‌اند. به طوری که بیش از ۲۲ درصد از شرکت کنندگان گروه بانکی، ۱۸ درصد خودرو، بیش از ۱۴ درصد پتروشیمی‌ها و در نهایت بیش از ۱۳ درصد صنعت پالایشی را لیدر بورس طی دوره مذکور می‌دانند.

بر این اساس می‌توان گفت با مشخص شدن نتیجه مذاکرات هسته‌ای ایران همراه با امیدواری‌های بوجود آمده میان فعالان بازار سرمایه نسبت به بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور و لغو تحریم‌های اعمالی، در درجه اول دو گروه بانک و خودرو از جمله صنایعی هستند که بسیاری از فعالان بازار سرمایه بر پتانسیل‌های آن‌ها جهت رشد سودآوری و صعود قیمت‌ها معتقدند.

در پایان اگرچه از ابتدای معاملات سال جدید تا به امروز اقبال به گروه بانکی کمتر از گروه خودرویی بوده اما باید تا پایان خرداد ماه سال جاری منتظر ماند و در انتها نتیجه بدست آمده را با آنچه که اتفاق خواهد افتاد مقایسه کرد.^۱

^۱ <http://www.boursenews.ir/fa/pages/?cid=120886>

در فصل بهار کدام صنعت لیدر بازار سرمایه خواهد شد؟



نمودار ۱ - نظرسنجی صنایع و انتخاب رهبر بازار

هر چند این نظرسنجی صرفاً بیان نظرات شخصی افراد بوده است و لزوماً جنبه علمی ندارد، اما می‌توان به نحوی استنباط کرد که تا پایان سال ۹۳ نیز صنعت بانکداری در صدر پیشنهاد بازار قرار داشته باشد.

معرفی بانک و بانکداری

پیشینه صنعت بانک

کهن‌ترین شکل بانکداری مربوط به دوران هخامنشیان و در میانرودان (بخشی از ایران آن زمان) است که در آنجا یهودیان عهده‌دار امور بانکداری بوده‌اند. مدارکی از این ناحیه به دست آمده‌است که کاملاً حکم چک را دارند. واژه «بانک» نیز در آن زمان به کار می‌رفته‌است و واژه «چک» نیز از آن روزگار تا به امروز باقی مانده‌است. در نوشته‌های ساسانیان به زبان پهلوی به واژه چک برمی‌خوریم و همین واژه از ایران به دیگر نقاط جهان راه یافته‌است.^۱

تاریخچه بانکداری در ایران

اولین بانکی که در ایران تاسیس شد «بانک جدیدشرق» نام داشت. این بانک، که مرکز آن در لندن بود، بدون دریافت هیچ‌گونه امتیازی در ایران افتتاح شد. «بانک شاهی» از دیگر بانکهایی می‌باشد که در ایران اجازه فعالیت یافته بود. مؤسس این بانک فردی انگلیسی به نام «پاول جولیوس روتر» بوده است. این بانک در سال ۱۸۷۲ در ایران تاسیس شد و تا سال ۱۹۴۲ به فعالیت خود ادامه داد. «بانک استقراضی ایران» که در سال ۱۸۹۰ توسط فردی روسی بنام «ژاک پولیاکوف» ایجاد شده بود برای مدت ۷۵ سال در ایران فعالیت کرد.

نخستین بانک ایرانی در سال ۱۹۲۵ و تحت عنوان «بانک سپه» فعالیت خود را آغاز نمود. در سال ۱۹۶۰ فکر تدوین قانون جامع پولی و بانکی و تاسیس بانک مرکزی بمنظور حفظ ارزش پول و اجرای سیاست پولی مورد توجه مقامات اقتصادی کشور قرار گرفت. در همین سال، بانک رفاه نیز تاسیس گردید.

ملی شدن بانکها

دولت ایران، یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی (سال ۱۳۵۷)، در جهت حفظ حقوق صاحبان سپرده و سرمایه‌های ملی، بکارانداختن چرخهای تولیدی صنعت کشور و تضمین بازپرداخت سپرده‌ها و پس‌اندازهای مردم، بانکهای ایران را ملی اعلام کرد.

^۱ میراث خبر / هخامنشیان چک می‌کشیدند. میراث خبر، ۲۷/۴/۱۳۸۴. بازیابی شده در ۱۵،۴،۲۰۱۲.

ادغام بانکها

ادغام بانکها پس از ملی شدن آنها انجام گرفت. بطوریکه، بانکها پس از ادغام از ۳۷ بانک، به ۶ بانک تجاری و ۳ بانک تخصصی تقسیم‌بندی شدند. بانکهای تجاری شامل: بانک رفاه، بانک ملی ایران، بانک صادرات ایران، بانک تجارت، بانک ملت و بانک سپه می‌باشند. بانکهای تخصصی نیز شامل: بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک صنعت و معدن می‌باشند.^۱

بانک در بورس اوراق بهادار ایران

یکی از روشهای تحلیل صنعت، بررسی اطلاعات موجود در بورس اوراق بهادار است. در حاضر ۹ بانک در بازار اول و ۵ بانک در فرابورس در حال فعالیت هستند.

بررسی صنعت بانکداری

۱- بررسی ۵۰ شرکت برتر بورسی و ۳۰ شرکت بزرگ بورس:

در بین ۵۰ شرکت برتر بورسی، تعداد ۶ بانک وجود دارد که عبارتند از: بانک صادرات، بانک ملت، بانک پاسارگاد، بانک تجارت، بانک سپه، بانک اقتصاد نوین. لذا بیش از ۱۰ درصد شرکتهای برتر بورسی به صنعت بانک تعلق دارد. ضمناً در میان ۳۰ شرکت بزرگ بورس نیز همه این بانکها البته بجز بانک سپه وجود دارد.^۲ پرواضح است که ۵ بانک از این صنعت همزمان عضو شاخص ۵۰ شرکت فعالتر و ۳۰ شرکت بزرگتر بورس هستند.

جدول ۱ - ۵۰ شرکت فعال و ۳۰ شرکت بزرگ در بورس اوراق بهادار

شرکتهای بورسی مندرج در شاخص های بورس اوراق بهادار	
شاخص ۳۰ شرکت بزرگتر	شاخص ۵۰ شرکت فعالتر
وبصادر	وبصادر
وبلم	وبلم
وپاسار	وپاسار
وتجارت	وتجارت
-	وسپه
ونوین	ونوین

۲- بررسی نمادهای پربیننده

در بین ۱۰ نماد پربیننده بورس اوراق بهادار ۲ بانک وجود دارد. و در میان ۴۰ نماد پربیننده نام ۵ بانک به چشم می‌خورد که نشان از توجه سهامدار بورس اوراق بهادار ایران به این صنعت می‌باشد.

^۱ سایت بانکی به نقل از اداره مطالعات و بازاریابی بانک رفاه

^۲ شرکت مدیریت فناوری بورس مورخ ۹۳/۰۱/۲۸

۳- نسبت p/e در صنعت بانک

p/e یک نسبت آینده‌نگر است؛ یعنی تغییرات آن به برآورد سرمایه‌گذاران از وضعیت آتی شرکت بستگی دارد. p/e بیان‌کننده میزان بازدهی مورد انتظار از خرید یک سهم است و نشان می‌دهد که به ازای هر ریال سود، سرمایه‌گذاران مایلند چند ریال پرداخت کنند. p/e بالاتر بیانگر آن است که سرمایه‌گذاران انتظار دارند سود در آینده با نرخ بیشتری نسبت به گذشته، رشد کند و به این علت مایلند مبلغ بیشتری را به ازای هر ریال سود پرداخت کنند. میانگین نسبت قیمت به سود هر سهم پیش‌بینی شده در گروه صنعت بانک‌ها و موسسات اعتباری در بورس اوراق بهادار ۶/۹۱ است^۱. نکته قابل توجه اینکه علیرغم افت بازار در روزهای اخیر، شاهد مقداری کاهش در p/e صنعت بانک هستیم، که نشان از افزایش بازدهی این صنعت می‌باشد. صنعت بانکداری در بورس، صنعتی است که در مقایسه با دیگر صنایع درصد تقسیم سود بالایی دارد و به نسبت، گروه کم ریسکی محسوب می‌شود اگرچه نوسانات قیمتی چندانی نیز ندارد. این صنعت با توجه به برخورداری از نسبت P/E پایین و درصد تقسیم سود بالا، بازدهی نقدی بالایی در بورس دارد^۲.

بررسی رقابت در صنعت بانک بر اساس مدل پنج نیروی پورتر^۳

صنعت عبارت است از گروهی از شرکتها که کالا و خدمات یکسانی تولید می‌کنند. مایکل پورتر بر این اعتقاد است که «یک واحدکسب و کار بیشترین نگرانش در خصوص افزایش رقابت درون صنعتی می‌باشد که در آن فعالیت می‌کند». شدت این رقابتها تحت تاثیر عوامل زیر می‌باشد:

- ۱- تهدید تازه وارد ها یا رقبای جدید و بالقوه
- ۲- تهدید محصولات یا خدمات جایگزین
- ۳- قدرت چانه زنی خریداران
- ۴- قدرت چانه زنی تامین کنندگان
- ۵- میزان رقابت میان رقبای فعلی
- ۶- البته یک نیروی دیگر نیز میتوان در نظر گرفت به نام «سیاستهای دولت»: دولت می‌تواند با اتخاذ سیاستهایی ورود به صنایع را محدود کند.

بررسی شدت رقابت بین شرکتهای موجود در صنعت بانک:

دلیل رقابت در بین رقبای موجود به طور معمول به ۲ اصل بر می‌گردد: یکی اینکه این سازمانها احساس فشار می‌کنند و دیگری اینکه احساس می‌کنند فرصتهایی برای پیشرفت برایشان فراهم شده است. به عنوان مثال، بانکهای دولتی با نگاه اول و خصوصی‌ها با نگاه دوم دست به رقابت می‌زنند. این رقابت البته مانند چاقویی دولبه است که می‌تواند همه را دچار دردسر سازد یا اینکه موجب پیشرفت کل صنعت شود. بدین معنی که رقابت شدید هم می‌تواند سودآوری را تضعیف کند، هم می‌تواند با رشد پتانسیلهای صنعت زمینه سودآوری را فراهم آورد. یکی از معمول‌ترین دردهای رقابت در بین رقبای

^۱ تاریخ ۹۳/۰۱/۳۰

^۲ روزهنامه دنیای اقتصاد / علیرضا کدیور : تحلیل گر بازار سرمایه

موجود جنگ قیمتهاست که توان سوددهی یک صنعت را به شدت تضعیف می‌کند. مبارزات تبلیغاتی هم جنبه دیگری از این رقابت است که ممکن است سطح تنوع خدمات و محصولات را به نفع همه شرکت‌های آن صنعت افزایش دهد. در کل باید گفت این رقابت معمولاً با استفاده از تاکتیک‌هایی چون مبارزه بر سر قیمت، مبارزات تبلیغاتی، معرفی محصولات یا افزایش سطح خدمات صورت می‌گیرد که در هر صنعتی می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

هنگامی که شرکت‌های فعال در یک صنعت زیاد هستند، احتمال وجود شرکت‌های تک رو و خودمدار بالاست. این احتمال اما در صنعت بانکداری به دلیل نظارت‌ها و حساسیت‌های بالا ضعیف به نظر می‌رسد. در حالتی دیگر ممکن است شرکت‌های هم‌اندازه در یک صنعت به دلیل رقابت با هم باعث ایجاد بی‌ثباتی در وضع آن صنعت شوند. در طرف مقابل، اگر صنعت تحت تاثیر یک یا دو شرکت پیشرو باشد، این احتمال وجود دارد که این شرکت‌ها بتوانند نظم رفتاری خاصی را برقرار سازند. البته به دلیل فاصله نزدیک بانک‌های کشور، این اثرگذاری به طور کامل هیچ‌گاه مشاهده نشده است.

آنچه که ممکن است برای شرکت‌های یک صنعت رخ دهد «بازی سهم‌بری» است. بازی‌ای که این روزها بانک‌های کشور به شدت به آن مشغول‌اند. یکی از دلایل شروع این بازی رشد کند صنعت برای شرکت‌هایی است که به دنبال توسعه هستند که این نیاز به توسعه در بانک‌های خصوصی بیشتر دیده می‌شود. بر همین مبنا شاهدیم که جنگ سهم‌بری در میان آنها بسیار سخت‌تر از بانک‌های دولتی در جریان است، اما نکته جالب در این میان موضوع تمایز است. تمایز در عرصه رقابت، لایه‌های نفوذ ناپذیری را در مقابل ابزارهای رقابتی ایجاد می‌کند. این تمایز است که ترجیح و تعلق خاطر به وجود می‌آورد و بر کسی پوشیده نیست که ما در بانکداری تغییر یا تمایز چندانی را تجربه نکرده‌ایم و در این راستا هزینه‌ای نکرده‌ایم. به تعبیر بهتر هنوز از لایه نفوذ ناپذیر تمایز استفاده و بهره نبرده‌ایم. بدین صورت، تنها نوع رقابت با مفهوم و دارای کارکرد در میان ما رقابت بر سر قیمت است، چه اینکه تفکیک و تمایز هیچ‌گاه برای مدیران ما محلی از اعراب نداشته است.

نکته قابل ذکر دیگر در خصوص رقابت بین رقبای موجود آن است که رقابت کنندگان از نظر استراتژی، منشأ و روابطشان اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. پس شرکت‌ها زمان زیادی را صرف درک این موضوعات می‌کنند، اگرچه ممکن است مقررات رفتاری خاصی را برای رقابت در یک صنعت وضع کنند، چنان که به طور مثال شاهدیم که بانک‌های خصوصی برای ایجاد این مقررات رفتاری دست به تشکیل کانون هماهنگی بانک‌های خصوصی زده‌اند؛ البته اینکه الزام به این مقررات چگونه و تا چه حد است همیشه مناقشه برانگیز بوده است. تجربه عدول از قراردادهای رفتاری در عرصه رقابت را در همین کانون هماهنگی بارها شاهد بوده‌ایم.

گاهی بحث در خصوص رقابت فعالان در یک صنعت مربوط به ترک آن صنعت توسط رقابت کنندگان است. با این حال همانند موانع ورود که در خصوص تازه واردین مطرح بود برای این رقابت کنندگان موانعی برای خروج متصور است که این موانع به سه دسته اقتصادی، استراتژیک و عاطفی تقسیم‌بندی می‌شوند. هنگامی که سطح موانع خروج بالاست ظرفیت‌های اضافی در درون صنعت وجود دارد و شرکت‌های بازنده به جای تسلیم شدن به صورت مبهمی منتظر می‌مانند و به خاطر ضعف‌های خود به تاکتیک‌های افراطی روی می‌آورند. در تحلیل‌های رقابتی زمانی که موانع ورود برای تازه واردین بالا و موانع خروج پایین باشد، درآمد بالا و ثباتی را شاهدیم که بهترین حالت برای شرکت‌های حاضر در عرصه است. از سویی موانع کم برای ورود تازه واردین و موانع بالای خروج برای رقابت کنندگان هم درآمد کم با ریسک بالا را برای شرکت‌ها به دنبال دارد. آنچه در خصوص صنعت بانکداری می‌توان گفت آن است که موانع خروج آنها بسیار بالاست که هر سه عامل یاد شده در آن موثرند. از سویی موانع ورود اگر چه ماهیتاً به نسبت پایین ارزیابی می‌شود، اما دخالت‌های دولت این موانع را سخت می‌سازد، پس در صنعت بانکداری شاهد درآمدهای بالا و البته با ریسک هستیم.

نکته شایان ذکر آن است که عواملی که شدت رقابت را تعیین می‌کنند ممکن است دچار تغییر شوند. نمونه بسیار عادی آن رشد صنعت است. همان طور که می‌دانیم هرچه صنعت بالغ‌تر باشد نرخ رشد آن کاهش می‌یابد که این امر منجر به تشدید رقابت، سود کاهنده و تحولات اساسی می‌شود. اگرچه یک شرکت باید خود را با عوامل زیادی که شدت رقابت را در یک صنعت تعیین می‌کنند تطبیق دهد، اما شرکتها از آزادی عمل نیز برخوردارند که البته این آزادی عمل از طریق تغییرات استراتژیک فراهم می‌آید.

بررسی نیروی فشار ناشی از محصولات جایگزین در صنعت بانک

شناسایی محصولات جایگزین نیازمند جستجو موشکافانه برای محصولاتی است که می‌تواند عملکردی مشابه داشته باشند. این جستجوی موشکافانه حتی ممکن است شرکت را به مرزهای صنایعی ببرد که در نگاه اول هیچ ربط و نسبتی با محصولات صنعت ندارند، اما از پتانسیل‌های خاصی برای جایگزینی برخوردارند. خدمات و محصولات ارائه شده در بورس اوراق بهادار، بانکها با کارکردهای دیگر و همچنین بازار ارز و فلزات گرانبها و ... محصولات بالقوه و بالفعل جایگزین محصولات بانکی محسوب می‌شوند. به هر طریق اگرچه در تحلیلها این محصولات مد نظر قرار می‌گیرند اما در فضای رقابتی حتی گاهی از زبان مدیران عامل بانکها می‌شنویم که [صرفاً] برای تقویت بورس برنامه ریزی صورت می‌گیرد! به تعبیری خودمان محصولات جایگزین را تقویت و از ظرفیتهای سودآوری صنعت بانکداری می‌کاهیم. کالای جانشین در صنعت بانکداری زیاد است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شرکت های تعاونی اعتبار، صندوق های قرض الحسنه، شرکت های لیزینگ و شرکت های تامین سرمایه بخشی از نیازهای تامین مالی مصرف کنندگان را تامین می‌کنند. عدم توفیق بانک مرکزی در اعمال نظارت بر تعاونی های اعتبار و صندوق های قرض الحسنه و سیاست های دولت جدید درخصوص گسترش صندوق های قرض الحسنه، می‌تواند بر فعالیت بانک ها تاثیر منفی داشته باشد.
- اشخاص حقوقی می‌توانند از طریق افزایش سرمایه، خرید اقساطی ماشین آلات و تجهیزات و خدمات و محصولات جدید ارائه شده در بورس اوراق بهادار همچون صدور اوراق مشارکت، اوراق اجاره (صکوک) و ... بخشی از نیازهای مالی خود را تأمین کنند.
- شرکت های بزرگ برای فروش محصولات شان، شرکت لیزینگ ایجاد کرده‌اند و یا رأساً اقدام به فروش اقساطی می‌کنند که در مورد خودرو، لوازم خانگی و حتی ماشین آلات تولیدی این امر صادق است. «بازار سهام، ارز و فلزات گرانبها در حالی جایگزین بالقوه و بالفعل محصولات بانکی محسوب می‌شوند که فشار کالای جانشین تهدیدی جدی برای سودآوری بانک ها تلقی می‌شود».

بررسی نیروی توان چانه زنی خریداران در صنعت بانک

آنچه مسلم است شرکتها با انتخاب خریداران خود به نوعی قدم در مسیر یک تصمیم استراتژیک می‌گذارند. تصمیمی که در بر دارنده این واقعیت است که می‌توان با انتخاب خریدارانی که کمترین قدرت انتخاب را دارند تصمیمات استراتژیک مربوط به توان چانه‌زنی را بهبود بخشید. اما در صنعت بانکداری خریداران شرکتها و افرادی هستند که خدمات بانک را مورد استفاده قرار می‌دهند. این خدمات طیف وسیعی از خدمات ریالی و ارزی، تأمین منابع مالی، مشاوره های مالی و سرمایه گذاری و ... را شامل می‌شود. نکته قابل توجه آنکه علی‌رغم حجم خرید بالای محصولات، نقش برجسته محصولات بانکی در موفقیت، کیفیت و ساختارهای هزینه‌ای خریداران، هزینه‌های متعدد تغییرات به لحاظ شناختی و زمانی و پولی و اطلاعات کافی

خریداران عملاً فشار قابل توجهی از سوی خریداران به صنعت بانکداری وارد نمی‌آید. این سهولت اگرچه برای صنعت بانکداری خوشایند است اما بی شک بی‌توجهی و نبود تفکر بهره‌گیری از این فرصت به معنی بهره‌برداری موثر از آن نیست. این بدان معناست که فشار کم مشتریان به معنای مدیریت این فشار توسط بانکهای فعال نیست. البته بسیار اتفاق می‌افتد که بانکها با فشار مشتریان خود مواجه می‌شوند اما هیچ‌گاه این فشار نیرویی تولید نکرده است که مدیران بانکها را به تفکری استراتژیک در این خصوص وا دارد. شاید وابستگی زیاد و نبود گزینه‌های دیگر انتخاب این همزیستی کم فشار را توجیه پذیر ساخته است.

بررسی نیروی توان چانه زنی تامین کنندگان در صنعت بانک

تامین کنندگان هم می‌توانند شرکتهای درون یک صنعت را با افزایش قیمت‌ها یا کاهش کیفیت تهدید کنند. تامین کنندگان قادرند سودآوری را برای شرکتهایی که قادر به تامین هزینه‌های افزوده شده نیستند از میان ببرند. اگر شرایطی مانند شرایط زیر برقرار باشد تامین کنندگان می‌توانند قدرت خود را به رخ بکشند:

۱- اگر تامین کنندگان محدود بوده و نسبت به شرکتهای فعال در صنعت متمرکزتر باشند. ۲- اگر تامین کننده مجبور نباشد برای ارایه محصول و خدمات خود با دیگر محصولات و خدمات رقابت کند. ۳- اگر محصول تامین کننده درون داد مهمی برای کسب و کار خریدار به شمار بیاید. ۴- اگر محصول تامین کننده تمایز و تنوع داشته و هزینه جابه‌جایی به شرکت‌های درون صنعت تحمیل کند و...

نکته حائز اهمیت در این نیروی مؤثر بر رقابت آن است که بیشتر افراد، تامین کنندگان را صرفاً بنگاه فرض می‌کنند، در حالی که به عنوان مثال نیروی انسانی هم جزئی از این نیرو محسوب می‌شود؛ چرا که این نیروها می‌توانند سود بالقوه یک صنعت را از طریق چانه‌زنی از میان بردارند. از سوی دیگر در صنعت بانکداری به جز تامین کنندگان نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای بانکداری، سپرده‌گذاران از جمله تامین کنندگان اصلی محسوب می‌شوند که قدرت چانه‌زنی آنها در سودآوری این صنعت حرف اول را می‌زند. این نیرو جزو محدود نیروهای اثرگذاری است که توجه مدیران بانکی را به خود مشغول داشته است. چنان که بسیاری از رقابت‌های موجود در این صنعت حول محور این نیرو متمرکز شده‌اند.

نکته پایانی تحلیل پنج نیروی پورتر:

عوامل مؤثر بر رقابت یک صنعت به شرکت کمک می‌کند تا نقاط ضعف و قوت خود را در ساختار صنعت به خوبی بشناسد. در واقع از دیدگاه استراتژیک نقاط و ضعف و قوت همان وضعیت شرکت در قبال علل بنیادین مربوط به هرکدام از عوامل رقابتی است. یک اقدام استراتژیک هم به اقدامات تهاجمی یا دفاعی در برابر این نیروها مربوط است. پس شرکتها با تحلیل نیروهای مؤثر بر رقابت موقعیت شرکت را در برابر عوامل رقابتی مشخص می‌کنند و بعد از آن با اقدامات استراتژیک مناسب موقعیت نسبی خود را بهبود می‌بخشند. در آخرین گام با پیش‌بینی‌هایی که بر اساس عوامل رقابتی انجام می‌دهند و فاکتورهایی که این عوامل را پدید می‌آورند راهکارهای واکنش در برابر آنها را با اتخاذ استراتژیهای مناسب مشخص می‌کنند و با این کار به ایجاد توازن جدید رقابتی اقدام می‌کنند. شناخت این قابلیت‌ها و توانمندیها و منشأ عوامل رقابتی، حوزه‌هایی را که شرکت باید در آن وارد شده یا از آن اجتناب کند را نیز نمایان می‌سازد.

نباید فراموش کرد که ترقی و تغییرات یک صنعت با تغییر و ترقی در منابع ساختاری رقابت همراه است. از این رو مهمترین روندهای استراتژیک آنهایی هستند که بیشتر منابع رقابت درون یک صنعت را متاثر می‌کنند. ناگفته پیداست که ما برای پیش‌بینی سودآوری و ارایه یک برنامه گسترده باید منشأ و گستردگی این منابع را در نظر داشته باشیم. پس تعریف جامع و

مناسب از یک صنعت از قدمهای اصلی و اساسی برای تدوین استراتژیهای رقابتی به شمار می‌آید. تحلیل ساختاری یک صنعت چیزی بسیار فراتر از تمرکز کامل بر رقابت رقبای موجود است. شاید در نظر اول مشخص کردن مرز بین این عوامل در تدوین استراتژی مد نظر نباشد اما با شناخت آن می‌توان مطمئن بود منابع پنهان و ابعاد اساسی رقابت نادیده گرفته نمی‌شود.

به هر طریق رقابت کم‌کم به دغدغه اصلی مدیران بانکی تبدیل می‌شود. این انگیزه مهم و اساسی آنان را به سوی تدوین راهی برای رقابت سوق خواهد داد. این مهم آنها را به سمت تحلیل ساختار صنعت بانکداری کشور سوق خواهد داد. بنا به آنچه که در این مرور گذشت به یاد داشته باشیم که باید تمامی ابعاد ساختاری یک صنعت را شناخته و روابط و اهمیت و اولویت هر کدام را مشخص سازیم. رقابت بهترین انگیزه و بستر برای رشد و پویایی این صنعت حیاتی است. امید داریم با نگاه علمی و تجربه گرانسنگ مدیران، این رقابت سازنده و اثربخش عینیت یابد تا همه از ثمرات آن بهره‌مند گردند.

تحلیل SWOT چیست؟^۱

تحلیل SWOT ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی‌های درونی سازمان است. پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت استراتژیک و همین‌طور بازاریابی، شناخت محیط پیرامونی سازمان است. حروف SWOT که آن را به شکل‌های دیگر مثل TOWS هم می‌نویسند، ابتدای کلمات Strength به معنای قوت، Weakness به معنای ضعف، Opportunity به معنای فرصت و Threat به معنای تهدید است. ماهیت قوت و ضعف به درون سازمان مربوط می‌شود و فرصت و تهدید معمولاً محیطی است.

تهدیدهای صنعت بانک:

۱- تحریم: اگر چه تحریم‌های بانکی از چالش‌های مهم سیستم بانکی است، اما تجربه نشان داده است که سیستم بانکی کشور به خوبی تحریم‌ها را مدیریت کرده است. این تحریم‌ها هزینه‌های سیستم بانکی و فعالان اقتصادی را افزایش داده است، اما مؤثر نبوده است. تحریم وقتی مؤثر است که تحریم‌کنندگان با اعمال تحریم بتوانند باعث تغییر رفتار تحریم‌شونده و یا رسیدن به خواسته‌های خود بشوند که خوشبختانه تاکنون انواع تحریم‌ها بی‌اثر بوده است که بخشی از آن مرهون تلاش‌های بانک‌ها برای عبور از تحریم‌هاست. تحریم، هزینه‌ی کل کشور برای استقلال است که نیاز به مدیریت دارد و بخش‌های مختلف تاکنون به خوبی به مدیریت آن پرداخته‌اند. دولت و مجلس نیز لازم است بودجه‌ی خاصی برای کمک به بانک‌ها، صنایع و شرکت‌های آسیب دیده از تحریم اختصاص دهند تا در مواقع لزوم، بودجه‌ی حمایتی برای بخش‌های آسیب‌پذیر در دسترس باشد.^۲

۲- نبود ثبات در سیاست‌های پولی: بانک‌ها از جمله مؤسسه‌هایی هستند که به طور مستقیم از سیاست‌های پولی کشور متأثر می‌شوند. تغییر رویه‌های بسیار کوتاه مدت و بدون توجیه نظیر افزایش نرخ ارز مرجع و کاهش مجدد آن در فاصله‌ای کوتاه، نبود ثبات سیاست‌ها، نظیر کاهش نرخ‌های سود سپرده‌ها و اصرار بر کاهش آن و آزادسازی یک‌باره و سپس اعمال سقف و تهدید بانک‌ها در خصوص عدول از سقف تعیین شده و یا برداشت از حساب بانک‌ها بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز در معامله‌ای قطعی، اعمال تسهیلات تکلیفی از یک‌سو و اخذ جرایم سنگین اضافه برداشت، همگی از جمله مواردی هستند که امکان ترسیم تصویر روشن از بانکداری در کشور را با هاله‌ای از ابهام مواجه

^۱ پایگاه اطلاع رسانی صنعت

^۲ ۹۱-سال-در-ایرانی-بانکهای-برای-تهدید-<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/111438/8>

می‌کند. بانک مرکزی باید ملزم به ارایه‌ی سیاست‌های پولی پایدار حداقل طی یک سال باشد و در صورت نیاز به تغییر در طی سال با لحاظ تمام شرایط و اعلام قبلی صورت پذیرد. اتخاذ سیاست‌های پایدار پولی و توجه به تمامی بخشها در سیاست‌گذاری پولی از جمله منافع بانکها، سهامداران، سپرده‌گذاران و تسهیلات گیرندگان آنان، لازمه‌ی فعالیت بانکداری در شرایط سخت تحریم است. نکته‌ای که کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد، عواقب بی‌اعتمادی به بانکها چه در بازار سرمایه و چه در بازار پول است. تجربه‌ی سایر کشورها نشان داده است که بحرانها عمدتاً از ناحیه‌ی بانکها آغاز می‌شوند و اگر سپرده‌گذاران و یا فعالان بازار سرمایه اعتماد خود به بخش بانکی را از دست بدهند، باید منتظر بحران شدید در اقتصاد بود.^۱

۳- سودآوری: یکی از منابع اصلی سودآوری بانکها، خدمات بانکداری بین‌الملل می‌باشد که با توجه به تحریم‌ها، این بخش از درآمدها به طور کامل تحقق نخواهد یافت و نظام بانکی باید به سمت ایجاد سود از محل بانکداری داخلی روی آورد. در سمت بانکداری داخلی، عمده‌ترین منبع درآمدی، سود حاصل از تسهیلات اعطایی است. در اواخر سال گذشته نرخ سود سپرده‌ها آزاد اعلام شد و بانکها نرخ‌های سود خود را تا سقف ۲۰ درصد افزایش دادند. حال آن که در سمت مقابل یعنی سود تسهیلات، هیچ‌گونه افزایشی حاصل نشد و بانکها نیز برای گریز از جرایم اضافه برداشت ۳۴ درصدی بانک مرکزی، از سپرده‌های با نرخ ۲۰ درصد نیز استقبال کردند و نتیجه این امر کاهش اسپرد (Spread) بانکی و در نتیجه‌ی کاهش سودآوری بانکها خواهد بود. از آن جا که سودآوری اصلی‌ترین ملاک سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه برای سرمایه‌گذاری در یک سهم است از این رو توجه به سودآوری بانکها برای امکان ادامه‌ی حیات موفق در بازار سرمایه از اهمیت بالایی برخوردار است. در این خصوص لازم است که نرخ‌های سود تسهیلات نیز آزادسازی شوند. اما نکته‌ی مهم آن است که در سال حمایت از تولید ملی، افزایش نرخ سود تسهیلات به زیان تولید داخلی بوده و باعث افزایش هزینه‌های تولید خواهد شد. در این خصوص لازم است که دولت و مجلس در راستای سیاست‌های هدفمندسازی یارانه‌ها، یارانه‌ی نرخ سود برای فعالیت‌های تولید داخلی در نظر بگیرند و ضمن آزادسازی نرخ سود تسهیلات، یارانه‌ی متناسب برای تولیدات داخلی در نظر بگیرند.

بانکها از جمله مؤسسه‌هایی هستند که به طور مستقیم از سیاست‌های پولی کشور متأثر می‌شوند. تغییر رویه‌های بسیار کوتاه مدت و بدون توجیه نظیر افزایش نرخ ارز مرجع و کاهش مجدد آن در فاصله‌ای کوتاه، نبود ثبات سیاستها، نظیر کاهش نرخ‌های سود سپرده‌ها و اصرار بر کاهش آن و آزادسازی یک‌باره و سپس اعمال سقف و تهدید بانکها در خصوص عدول از سقف تعیین شده و یا برداشت از حساب بانکها بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز در معامله‌ای قطعی، اعمال تسهیلات تکلیفی از یک‌سو و اخذ جرایم سنگین اضافه برداشت، همگی از جمله مواردی هستند که امکان ترسیم تصویر روشن از بانکداری در کشور را با هاله‌ای از ابهام مواجه می‌کند.^۲

۴- بانکداری صنفی: ملاحظه می‌شود که در سال‌های اخیر اصناف و گروه‌های مختلف به بهانه‌ی عدم کارایی بانک‌های موجود در ارایه‌ی خدمات مطلوب به آنها، راساً درخواست تأسیس بانک مختص به خود را داده و در بسیاری از موارد نیز موفق به اخذ مجوز از بانک مرکزی شده‌اند. اگر چه مطابق با مقررات موجود، بانک‌های خصوصی کشور باید سهامی عام بوده و هیچ شخص حقیقی و حقوقی و وابستگان آنان جمعاً نمی‌توانند مالک بیش از ۱۰ درصد از سهام یک بانک باشند، اما در عمل با به کارگیری شیوه‌های خاص در پذیره نویسی اولیه، اعضای یک صنف و یا کارکنان یک نهاد مالک و سهامدار بانک شده و کنترل بانک در دست مسئولین آن صنف و یا آن نهاد قرار می‌گیرد.

^۱ همان

^۲ همان

نظارت ضعیف در پذیره‌نویسی‌های انجام شده و عدم دقت بانک مرکزی به عواقب توسعه‌ی بانک‌داری صنفی، باعث گسترش این بانک‌ها طی دو سال اخیر شد و این سلسله همچنان ادامه دارد و اصناف و گروه‌های مختلف یکی پس از دیگری به فکر تأسیس بانک مختص به خود افتاده‌اند.

علت اصلی گرایش به سمت بانک‌داری صنفی آن است که اصناف مختلف، اعضا و کارکنان یک صنف و یا نهاد زمانی که با محدودیت‌های اعتبارسنجی در اخذ تسهیلات از سیستم بانکی مواجه می‌شوند، برای عبور از این محدودیت‌ها از یک سو و امکان تجهیز منابع کم هزینه‌تر و در نتیجه اخذ وام‌های ارزانتر از سوی دیگر به فکر تأسیس بانک مختص به خود می‌افتند. بانک‌های صنفی منابع جامعه را برای اختصاص به یک بخش، صنعت و یا صنف تجهیز می‌نمایند که این موضوع ریسک بالایی را متوجه سپرده‌گذاران می‌نمایند و با مقررات بانک مرکزی نیز مغایرت دارد و یا این که منابع صنف مربوط (یعنی همان سهامداران) را برای اختصاص به خودشان تجهیز می‌کنند که این موضوع نیز باعث افزایش هزینه‌های سهامداران می‌شود و اگر چه در ظاهر تسهیلات ارزان قیمت نصیب آنها می‌گردد، اما تجهیز همین منابع توسط سایر بانک‌ها و اختصاص به خود آنها در قالب وجوه اداره شده و با نرخ دلخواه به راحتی امکان پذیر است و ضمن آن که برای تأسیس بانک صنفی و تخصیص منابع به اعضای صنف، سهامداران مجبور به دور زدن قوانین متعدد بازار پول و سرمایه می‌شوند، حال آن که در حالت دوم (وجوه اداره شده)، با هزینه‌ی کم‌تر و به صورت قانونمند این اتفاق صورت می‌پذیرفت.

رشد بانک‌های خصوصی به لحاظ تعداد و اندازه اگر چه در هر اقتصادی مطلوب است و باعث کارآمدتر شدن نظام بانکی به واسطه‌ی رقابت بیش‌تر می‌شود، اما این مهم به شرطی تحقق می‌یابد که سهامداران بانک خصوصی صرفاً با هدف سرمایه‌گذاری و کسب سود وارد فعالیت بانک‌داری شده باشند. تجربه نشان داده است که بانک‌های صنفی، غالباً بانک‌های کارآمدی نخواهند بود و باعث افزایش ریسک سیستمی نظام بانکی می‌شوند. کارآمدی نظام بانکی و توسعه‌ی بانک‌داری الکترونیک برای امکان‌آرایی خدمات مناسب به اصناف و نهادهای مختلف، شفافیت بیش‌تر در اعطای تسهیلات بانکی و حذف موانع غیرضروری در اعطای تسهیلات خرد و از همه مهم‌تر نظارت دقیق بر رعایت بخشنامه‌ها و مقررات بانک مرکزی در خصوص اعطای تسهیلات به اشخاص مرتبط (براساس آیین‌نامه‌ی تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط مصوب یک‌هزار و یکصد و هجدهمین جلسه‌ی مورخ ۸۹/۷/۲۷ شورای پول و اعتبار منضم به نامه‌ی شماره‌ی ۱۷۳۷۷۲ مورخ ۸۹/۸/۱۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) و ذی‌نفع واحد (براساس ضوابط مربوطه از جمله سیاست‌های پولی، اعتباری و نظارتی نظام بانکی کشور سال ۹۱) می‌تواند راهکارهایی برای مدیریت چالش بانک‌داری صنفی و کم کردن علاقه‌ی نهادها و اصناف به تأسیس بانک باشد.

رشد بانک‌های خصوصی به لحاظ تعداد و اندازه اگر چه در هر اقتصادی مطلوب است و باعث کارآمدتر شدن نظام بانکی به واسطه‌ی رقابت بیش‌تر می‌شود، اما این مهم به شرطی تحقق می‌یابد که سهامداران بانک خصوصی صرفاً با هدف سرمایه‌گذاری و کسب سود وارد فعالیت بانک‌داری شده باشند.^۱

۵- نظارت: سیستم بانکی کشور در چارچوب سه قانون اصلی شامل «قانون پولی و بانکی»، «لایحه‌ی قانونی اداره‌ی امور بانک‌های دولتی» و «قانون بانک‌داری بدون ربا» فعالیت می‌کند. بر اساس قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیر ماه ۱۳۵۱، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان تنظیم‌کننده‌ی نظام پولی و اعتباری کشور و ناظر بر سیستم بانکی است. نکته‌ای که در این جا قابل بررسی است، نحوه‌ی نظارت بر عملیات بانک مرکزی و پاسخ‌گویی آن در

^۱ همان

قبال مسؤولیت‌هایی است که به عهده دارد. در این جا مرور تجربه‌ی سایر کشورها نشان می‌دهد که از این نظر بانک‌های مرکزی در جهان به ۳ بخش قابل تقسیم می‌باشند، دسته‌ی اول بانک‌هایی هستند که به دولت پاسخ‌گو بوده و به طور غیرمستقیم در برابر مجلس نیز مسؤولیت دارند، دسته‌ی دوم بانک‌هایی هستند که تنها در برابر مجلس پاسخ‌گو می‌باشند و دسته‌ی سوم بانک‌های مرکزی مستقلی هستند که در موارد لزوم و بروز اختلاف به پادشاه و یا رئیس کشور مراجعه می‌نمایند.

از منظر نظارت بر مؤسسه‌های مالی نیز دو رویه در سطح دنیا موجود است که رویه‌ی اول نظارت بانک مرکزی بر مؤسسه‌های پولی و بانکی و رویه‌ی دوم جدایی وظیفه‌ی نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی از بانک مرکزی در قالب نهادی مستقل است. نظارت در کشور ما منطبق بر رویه‌ی اول است و در کشورهایی نظیر ترکیه و انگلیس روش دوم جاری است. کشورها به منظور استقلال بیش‌تر بانک مرکزی و تمرکز بیش‌تر بر سیاست‌گذاری پولی، وظیفه‌ی نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی را که وظیفه‌ای سنگین و پر مسؤولیت است از بانک مرکزی جدا و در قالب یک نهاد مستقل ساماندهی می‌نمایند. قوانین ناظر بر عملیات بانک‌ها، به دلیل تعدد و عدم به روز شدن جامعیت کافی برای سیستم بانکی را نداشته و به همین رو از سال‌ها پیش این قوانین در دست بررسی برای تجمیع و به روز شدن است. در کشور ما مقام نظارتی بانک‌ها بانک مرکزی بوده که علاوه بر وظایف سیاست‌گذاری پولی به این مهم نیز می‌پردازد. از سوی دیگر، مقام نظارتی بازار سرمایه، سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد که زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی فعالیت می‌کند. بازار سرمایه‌ی کشور خود در چارچوب قانونی مجزا فعالیت می‌کند. مجموعه عوامل یاد شده، به همراه مدیران وابسته به دولت در رأس بانک مرکزی از یک سو و بانک‌های بزرگ از سوی دیگر، ضعف تکنولوژی در سیستم بانکی کشور و نبود دیدگاه جامع نظارتی در مقام ناظر، نظارت بانکی در کشور را با مشکل مواجه نموده است.^۱

۶- سیاست‌های موقتی بانک مرکزی: سیاست‌های بانک مرکزی درخصوص انتشار اوراق مشارکت ۲۳ درصدی در انتهای سال گذشته^۲

نقاط ضعف صنعت بانک:

۱- مطالبات غیرجاری: یکی دیگر از چالش‌های شبکه‌ی بانکی به ویژه در چند سال اخیر، مشکلی به نام مطالبات غیر جاری و یا در اصطلاح عام، مطالبات معوق است. افزایش نرخ‌های سود تسهیلات، رکود ناشی از بحران‌های مالی و اقتصادی در دنیا، عدم تعمیق و گسترش بازار سرمایه و بروکراسی‌های اداری در نظام اداری و قضایی کشور، همگی عوامل افزایش حجم مطالبات غیر جاری بانک‌ها هستند. در گذشته که بخش اعظم سیستم بانکی دولتی بود، این مشکل چندان نمودی نداشت، اما در دو سال اخیر وقتی که بانک‌های خصوصی شده به واسطه‌ی ذخایر مورد نیاز برای مطالبات غیر جاری، سودآوری خود را در خطر دیدند، توجه بیش‌تری به این موضوع معطوف نمودند. بر اساس آمارهای تقریبی، نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات بانک‌ها، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد می‌باشد؛ یعنی ۲۰ تا ۲۵ درصد تسهیلات شبکه‌ی بانکی بازگشت به موقع ندارد که این موضوع ریسک بالای اعطای تسهیلات در شبکه‌ی اقتصاد داخل را نشان می‌دهد.^۳ نظام بانکی ما سال ۹۲ را در حالی پشت سر گذاشت که در «سطح مطالبات غیرجاری بانک‌ها» تغییر خاصی به‌وجود

^۱ همان

^۲ گروه بازار پول - صدیقه رهبر، کارشناس امور بانکی - روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۳۱۷۰ تاریخ چاپ: ۲۱/۰۱/۱۳۹۳

^۳ ۹۱ سال-در-ایرانی-بانکهای-برای-تهدید-<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/111438/8>

نیامده است و چه بسا که سطح آن از ۸۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده، فراتر رفته باشد؛ بنابراین، کمبود منابع، به‌ویژه، در مورد بانک‌هایی که برنامه‌ای برای افزایش سرمایه خود نداشتند، همچنان از مشکلات مهم آنها در سال ۱۳۹۲ به حساب می‌آمد.^۱

۲- ضعف فن‌آوری اطلاعات: شاید یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدیریت دولتی در بانک‌ها را عدم توجه به رشد فن‌آوری اطلاعات در بانک‌ها دانست. بانک‌ها با ساختار سنتی و سیستم‌های سنتی و با توجه به ساختار دولتی و عدم رقابت از یک سو و بالا بودن هزینه‌های ارتقای تکنولوژی و ترس از برخورد با دستگاه‌های نظارتی در این گونه موارد از سوی دیگر و البته اندکی نیز به دلیل تحریم‌های تکنولوژیکی، در رشد فن‌آوری و تکنولوژی از کارنامه‌ی قابل قبولی برخوردار نیستند. این عقب ماندگی تکنولوژیکی در جای جای بانک‌ها و خدمات آن‌ها قابل مشاهده است. مقام‌های مسئول از جمله بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت فن‌آوری اطلاعات نیز در این حوزه اقدام قابل ملاحظه و اثرگذاری نداشتند.

تحقیقات نشان داده‌اند که اگر مؤسسه‌ها همراه با تکنولوژی روز حرکت نکنند با گذشت زمان هزینه‌های ارتقای تکنولوژی به‌صورت تصاعدی افزایش می‌یابد، آنچه که اکنون در خصوص سیستم بانکی کشور اتفاق افتاده است. یکی از دلایل اصلی عدم پیشرفت در فن‌آوری اطلاعات، نبود راهبرد مناسب در سطح ملی و راهبرد مناسب در سطح بانک‌هاست. تقریباً تمامی بانک‌ها مطالعات متعددی در رابطه با تدوین استراتژی فن‌آوری اطلاعات و نیز سیستم‌های جامع بانکی داشته‌اند، اما هنوز اغلب بانک‌ها راهبرد مشخصی در این زمینه نداشته و با تغییرات مدیران بانکی، حرکت‌های ناقص انجام شده در این زمینه نیز بی‌نتیجه می‌ماند. کمبود متخصص تدوین راهبرد فن‌آوری اطلاعات که هم به حوزه فن‌آوری اطلاعات، هم به حوزه تدوین استراتژی و هم به حوزه بانکداری آشنا باشد، مزید بر علت برای عدم تدوین استراتژی‌های مناسب در این حوزه شده است.^۲

۳- مشکلات اخذ تسهیلات: نظام بانکی کشور ما، تسهیلات متعددی را برای خانوارها عرضه می‌نماید که به دلیل نرخ‌های این تسهیلات از یک سو و نبود مکانیسم صحیح تخصیص اعتبار، دسترسی به این تسهیلات بانکی عادلانه نبوده و برای عموم به صورت یکسان نمی‌باشد. همین امر باعث می‌شود که برخی از افراد که به واسطه‌ی ماهیت شغل خود و یا به واسطه‌ی ارتباطات شخصی و غیرشخصی دسترسی بیش‌تری به این تسهیلات دارند، بعضاً بیش از توان اعتباری خود اقدام به اخذ تسهیلات نمایند و این امر باعث ارتقای زندگی آنان نسبت به افراد مشابهی می‌شود که چنین دسترسی را ندارند. این امر مشکلاتی را نیز برای بانک‌ها به وجود آورده است، از جمله افزایش مطالبات معوق.

انواع تسهیلات خرد بانکی عرضه شده از سوی نظام بانکی کشور را می‌توان به طور کلی به دو دسته‌ی «تسهیلات مصرفی» و «تسهیلات کارآفرینی» تقسیم کرد. برخی از این تسهیلات همانند وام قرض‌الحسنه‌ی ازدواج دارای مکانیسم مشخص پرداخت است و از این رو اغلب متقاضیان حائز شرایط موفق به اخذ آن می‌شوند. هر چند که برخی از افراد غیر واجد شرایط نیز این تسهیلات را دریافت می‌کنند و برخی از افراد واجد شرایط به دلایل مختلف از جمله ضوابط سخت بانک‌ها موفق به دریافت آن نمی‌شوند، اما در مجموع با اقدام‌های مثبت انجام شده از سوی بانک مرکزی این نوع تسهیلات تقریباً عادلانه‌ترین نوع تسهیلات نظام بانکی کشور است. اما در خصوص سایر تسهیلات بانکی، عموم جامعه‌ی ما به عدالت در پرداخت تسهیلات خرد کم‌تر اعتقاد دارند و همین امر را مانعی در توسعه‌ی معیشت خود می‌دانند. امروزه تسهیلات بانکی خرد به عنوان روشی مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید به ویژه فعالیت‌های خود

^۱ چالش‌های صنعت بانکداری در سال ۹۳ - <http://www.donya-e-egtesad.com/news/> - ۷۹۴۶۰

^۲ ۹۱-سال-در-ایرانی-بانکهای-برای-تهدید-<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/111438/8>

اشتغالی، جهت مقابله با فقر و توانمندسازی فقرا در کشورهای مختلف شناخته شده است و برخی از کشورها در این زمینه به توفیق‌های چشم‌گیری دست یافته‌اند. به طوری که جایزه‌ی صلح نوبل در سال ۲۰۰۶ م. به پرفسور «محمد یونس» و گرامین بانک نشان داد تأمین مالی خرد به وسیله‌ی مهمی برای مبارزه با فقر در تمامی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تبدیل شده است.

یکی از مشکلات اساسی مردم در اخذ وام‌های خرد، پس از موضوع عدالت در دسترسی که چالشی بزرگ و نیازمند بررسی است، درخواست ضامن توسط بانک‌هاست. با توجه به فرهنگ موجود و عدم بازپرداخت به موقع تسهیلات توسط تسهیلات گیرنده، ضامنین در غالب موارد دچار مشکل شده و وجوه آنان در بانک اعتباردهنده مسدود و ضبط می‌شوند و یا بخشی از حقوق آنان توقیف می‌شود. به دلیل عدم آشنایی ضامنین با مسؤولیت‌های خود و فرم‌هایی که ذیل آنان را امضا نموده‌اند، اغلب برای آنان نارضایتی در هنگام توقیف وجوه و یا حقوق خود ایجاد می‌شود. اگر چه بر اساس ماده‌ی ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا، قراردادهای تسهیلات بانکی بنا به توافق دو طرف، در حکم اسناد لازم الاجرا و تابع آیین نامه‌ی اجرایی اسناد رسمی هستند و به دریافت وثایق و تضمینات دیگری نیاز نیست، اما بانک‌ها می‌توانند به منظور حصول اطمینان بیش‌تر از وصول مطالبات خود در برابر تسهیلات اعطایی، از بین انواع وثایق و تضمینات قابل قبول خود تأمین کافی اخذ کنند که طلب ضامن از آن جمله است.

بر اساس آمارهای تقریبی، نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات بانک‌ها، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد می‌باشد؛ یعنی ۲۰ تا ۲۵ درصد تسهیلات شبکه‌ی بانکی بازگشت به موقع ندارد که این موضوع ریسک بالای اعطای تسهیلات در شبکه‌ی اقتصاد داخل را نشان می‌دهد.

گرامین بانک با روش وثیقه کردن دارایی دسترسی به وام در آینده امکان دریافت وام برای فقرا بدون دریافت وثیقه را فراهم آورد. همین روش در کشورهای توسعه یافته در قالب شرکت‌های رتبه‌بندی اعتباری انجام می‌شود. عملکرد بهتر در بازپرداخت تسهیلات به معنای دسترسی به تسهیلات بیش‌تر در آینده است که یک دارایی محسوب می‌شود. «اعطای وام گروهی» و «تضمین گروهی» از جمله ابداعات گرامین بانک بود. بر اساس مقررات گرامین بانک در صورتی که یکی از اعضا در باز پرداخت اقساط وام خود با مشکل مواجه گردد، سایر اعضای گروه موظف به پرداخت بدهی او می‌باشند. هم‌چنین برای تقویت انگیزه‌ی باز پرداخت وام و کاهش ریسک تأخیر در پرداخت اقسام وام، میزان وام پرداختی به اعضا در طول زمان افزایش می‌یابد. متأسفانه چنین مکانیسم‌هایی هنوز در کشور ما طراحی نشده است و اندک تلاش‌های انجام شده هنوز به بهره‌برداری نرسیده و بانک‌ها هم‌چنان طلب ضامن کارمند با کسر از حقوق و آن هم دو ضامن و مشتری سرگردان برای پیدا کردن ضامن و به دنبال افزایش سطح زندگی از راه وام‌های خرد می‌باشد. همین مشکلات هزینه‌ی دسترسی به تسهیلات خرد را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. هم اکنون مشتریان برای اخذ یک وام خودرو یا خرید کالا باید ابتدا پیش فاکتور ارایه نمایند که این پیش فاکتور در خرید کالا قیمتی در حدود ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان دارد و در خرید خودرو تا ۱۵۰ هزار تومان. نقد کردن چک و یا گواهی ارایه شده توسط بانک به مشتری در تسهیلات خرید خودرو گاه تا ۵۰۰ هزار تومان هزینه‌ی اضافی برای مشتری دارد، چرا که همه‌ی مشتریان با وام خود خودروی نو خریداری نمی‌کنند و یا به دلیل آن که تنها تسهیلات در دسترس همین دو گونه تسهیلات می‌باشد، بعضاً برای ودیعه‌ی اجاره‌ی منزل و یا سایر نیازها از تسهیلات خوددور استفاده می‌نمایند که یا مجبور به خرید و فروش مجدد خودرو می‌شوند و یا این که مبالغی به دلالت این بازار پرداخت می‌کنند تا چک و یا برگه‌ی ارایه شده از سوی بانک را تبدیل به نقد نمایند. هم‌چنین مبالغی بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان نیز هزینه‌ی ضامن توسط برخی از افراد پرداخت می‌شود. بانک مرکزی و سیستم بانکی نیز در این سال‌ها با اطلاع از این معضل و این که به واقع تسهیلات معرفی شده به مصرف

اصلی نمی‌رسند، روز به روز شرایط را سخت کرده‌اند و مدارک بیش‌تر و بروکراسی بیش‌تر برای پرداخت این‌گونه تسهیلات در نظر گرفته‌اند، غافل از این که این اقدام‌ها از یک سو دسترسی به این تسهیلات را سخت‌تر می‌کند و از سوی دیگر به نفع واسطه‌ها و دلالان تهیه‌ی پیش فاکتور و نقد کردن چک‌هاست و عملاً در این راستا اشتغال‌زایی کرده‌اند. شایسته بود بانک مرکزی به دنبال ریشه‌های اصلی عدم مصرف این گونه تسهیلات در جای خود باشد. هم‌چنین اگر چه نرخ سود وام‌های مصرفی و خرد پایین تعیین شده است اما با احتساب هزینه‌های جنبی که عمدتاً به جیب دلالان و سوداگران این حوزه واریز می‌شود، نرخ مؤثر این گونه تسهیلات برای مصرف کننده بسیار زیادتر از نرخ تعیین شده می‌باشد.

از تسهیلات خرد سیستم بانکی که بگذریم، یکی از مسایل نظام بانکی کشور که ریشه در مشکلات متعدد دیگر دارد، پرداخت تسهیلات عمده است. به دلیل نرخ‌های کم‌تر از حد نرخ تعادلی و در بسیاری از سال‌ها نرخ‌های تسهیلات کم‌تر از نرخ‌های سود سپرده‌ها، اخذ تسهیلات از بانک‌ها و سپرده‌گذاری در سیستم بانکی یک فعالیت بسیار سودآور و بدون ریسک بوده است. در شرایطی که نرخ سود تسهیلات از نرخ تورم پایین‌تر باشد، اخذ تسهیلات به معنای دریافت قرض همراه با پاداش می‌باشد. بدیهی است در چنین شرایطی تقاضا برای تسهیلات بسیار بالا خواهد بود و پاسخ‌گویی به تمامی تقاضاها امکان پذیر نمی‌باشد. این امر همان مفهوم رانت می‌باشد.

هر چند نظارت بر مصرف تسهیلات یکی از وظایف سیستم بانکی است اما به دلیل حجم بالای تسهیلات پرداختی از نظر تعداد و وجود روابط ناصحیح، بعضاً نظارت‌ها نیز کارآمد نبوده و مشتریان با توسل به روش‌های غیر متعارف نظیر تطمیع یا بهره‌گیری از صاحبان قدرت و سیاستمداران و غیره، به منابع بانکی بزرگ دست یافته و از این منظر و به لطف تورم در عرض چند سال دارایی خود را چند برابر و البته تسهیلات بانکی را نیز به چند برابر رسانده‌اند و هم‌چنان از مزایای تورم و نرخ‌های سود پایین بهره می‌برند. در چنین شرایطی کارآفرینی حرف اول در تولید و صنعت را نمی‌زند بلکه روابط و دانستن روش‌های اخذ تسهیلات و اعتبار است که می‌تواند عامل پیشرفت باشد. عدم وجود نظام‌های اعتبارسنجی، ضعف سیستم‌های فن‌آوری بانک‌ها و بانک مرکزی و عدم وجود سامانه‌های رتبه‌بندی اعتباری باعث گردیده تا یک فرد بتواند از بانک‌های مختلف اخذ تسهیلات نماید و همگی آن‌ها نیز معوق شود. بسیاری از مشتریان بانک‌ها به طور سنتی عادت دارند که در سررسید وام صرفاً سود متعلقه را بپردازند و وام را مجدد برای دوره‌ی بعدی تمدید نمایند (و حتی در غالب موارد با درصدی افزایش در اصل وام). این گونه وام‌ها که به وام‌های همیشه سبز مشهور است در سیستم بانکی ما بسیار رایج بود تا این که وقتی در سال ۸۶ بانک مرکزی از اضافه برداشت بانک‌ها جلوگیری کرد و بانک‌ها با مشکل تأمین نقدینگی مواجه شدند، اولین گروهی که به نظام اعتباردهی بانک‌ها اعتراض نمودند همین صاحبان وام‌های سبز بودند و از تادیه دیون خود به بانک‌ها سر باز زدند. چنین گروه‌هایی که سال‌ها از تسهیلات بانکی به عنوان یک منبع ارزان قیمت پول بهره‌مند بودند، اکنون حاضر به چشم پوشی از این منبع نبوده و از یک سو نرخ‌های سود پایین و از سوی دیگر تمدید مطالبات معوق آن هم با نرخ‌های پایین و بدون اخذ جریمه‌ی تأخیر تادیه دین را خواستار بودند. مجموعه عوامل یاد شده کلاف سر در گمی در بخش اعطای تسهیلات سیستم بانکی ایجاد کرده است که متعادل کردن نرخ‌های سود تسهیلات و توسعه‌ی «مکانیسم‌های رتبه‌بندی اعتباری» و «اعتبارسنجی» از جمله راهکارهای مدیریت این چالش بزرگ سیستم بانکی است.^۱

^۱ همان

ریسکهای موجود در صنعت بانک

۱- ریسک نقدینگی بانکها: این ریسک در سال ۹۳ افزایش یافته است؛ زیرا در سه ماهه پایانی سال ۹۲، زمانی که معمولاً بانکها به طور سنتی با چالش کمبود نقدینگی فصلی روبه‌رو هستند، بانک مرکزی با برخورداری از جایگاه انحصاری خود به عنوان سیاست‌گذار پولی، با فروش اوراق مشارکت با نرخ سود علی‌الحساب 23 درصد، (نرخ‌های در ظاهر بالاتر و جذاب‌تر از نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های بانکها)، به مثابه رقیبی برای بانکها وارد عرصه شد. به این ترتیب، دیگر بار، کارکرد سیاست‌گذاری پولی این بانک، کارکرد دیگر آن؛ یعنی سیاست‌گذاری نظارتی را به مبارزه طلبید و صد البته همچون همیشه نقش آن بانک به عنوان سیاست‌گذار پولی پیروز این هم‌اورد بود.

چون، بانک مرکزی به منظور جمع‌آوری نقدینگی با هدف کنترل تورم و گردآوری منابع مورد نیاز (بر اساس مطالب منتشره در رسانه‌ها، ظاهراً، برای انجام پرداخت‌های معوق دولت به پیمانکاران) ریسک نقدینگی بانکها را افزایش داد (کاری که به دلیل احتمال بروز بی‌ثباتی در سیستم بانکی، به طور اصولی بانک‌های مرکزی از آن دوری می‌جویند). این در حالی است که بانک مرکزی، همواره بانکها را از پرداخت نرخ‌های سود علی‌الحساب بالا به مشتریان منع می‌کند.

این رخداد، سبب شد به دلیل رویارویی بانکها با فرار سپرده‌ها، آن هم در بازه زمانی که کمبود منابع از رخدادهای مورد انتظار برای آنها محسوب می‌شود، تعدادی از بانکها به منظور پیشگیری از برون‌رفت منابعشان، از طریق افزایش نرخ‌ها، به واکنش‌های هیجانی روی آورند. البته موضوع به همین جا ختم نشد؛ چون پس از آن، بین تعدادی از بانکها رقابتی شکل گرفت، رقابتی که توانست به فضای هیجانی ایجاد شده در سیستم بانکی دامن بزند.

به این ترتیب، با گذشت زمان، شماری از بانک‌های تماشاگر در سیستم بانکی از ترس جای ماندن از رقیبان، به شرکت‌کنندگان در مسابقه پیوستند. غافل از موضوع که این مسابقه برنده‌ای نخواهد داشت و شاید بتوان بیشتر بانکها را به دلایلی که به آنها پرداخته خواهد شد، بازنده این رقابت دانست.

یکی از شاخصه‌های بالا بودن ریسک نقدینگی در هر سیستم بانکی از جمله در نظام بانکی کشورمان، وجود «ریسک تمرکز» است که به صورت تمرکز شدید بانکها بر وجوه کوتاه‌مدت خود را نشان می‌دهد.

از آنجایی که این سپرده‌ها از ماهیتی نسبتاً سیال برخوردارند، بیشتر تحت تاثیر تحولات بیرونی قرار می‌گیرند. از این رو، ناپایداری‌های قیمتی در بازار دارایی‌ها، در وهله اول این گروه سپرده‌گذاران را تحت تاثیر قرار می‌دهد، چون خروج آنها نسبت به دیگر سپرده‌ها آسان‌تر و برای سپرده‌گذار کم‌هزینه‌تر است.

نکته دیگری که باید به آن توجه شود، «چگونگی مدیریت موثر منابع و مصارف» است. از نظر اصول مدیریت ریسک نقدینگی، توصیه بر این است که بانکها برای این‌گونه منابع کوتاه‌مدت و مصارف بلندمدت خود، حدودی را تعیین کرده و مورد پایش قرار دهند. حدودی که اجازه ندهد آنها از «محدوده قابل تحمل» از نظر ریسک خارج شوند. حال اگر چنانچه، بخش عمده‌ای از این منابع کوتاه‌مدت برای مصارف بلندمدت یا سپاه‌چاله‌های موجود، در بخش مصارف؛ یعنی مصرف در محلی که غیرقابل بازگشت یا فاقد بهره‌وری است، اختصاص داده شوند، موجبات افزایش ریسک نقدینگی از طریق «عدم تطابق زمانی بین منابع و مصارف» را فراهم می‌آورد.

در چنین شرایطی در صورت هجوم سپرده‌گذاران برای برداشت سپرده‌ها، بانک توان پاسخگویی به آنان را نخواهد داشت. از دیگر پیامدهای افزایش نرخ‌های سود علی‌الحساب سپرده‌ها، «بالا رفتن قیمت تمام شده پول» است. این مساله تعیین نرخ سود مورد انتظار تسهیلات را برای بانکها به یک چالش تبدیل خواهد کرد، البته افزایش قیمت انرژی (آب، برق و گاز و ...) را نیز

باید به عنوان هزینه های سربار به این هزینه افزود. عوامل برشمرده، هزینه تامین مالی از بانک ها را برای بنگاه های اقتصادی افزایش می دهد.^۱

فرصتهای صنعت بانکداری

- ۱- اعلام سیاست های تثبیت اقتصادی و انقباض پولی از سوی دولتمردان در دولت جدید
 - ۲- توقف آهنگ صعودی تورم: با توجه به توقف آهنگ صعودی تورم و نرخ رشد اقتصادی منفی در ماه های پایانی سال ۱۳۹۲، با بهره گیری از مکانیسم هایی همچون کنترل حجم نقدینگی و به تبع آن، کاهش رشد پایه پولی در سال ۹۳، تورم از امسال پایین تر و نرخ رشد اقتصادی مثبت و از حالت رکود خارج خواهد شد. بنا بر پیش بینی ها و وعده های اعلام شده از سوی دولتمردان اقتصادی، میزان نرخ تورم از ۴۰ درصد در اواسط سال ۹۲ تا پایان سال جاری به رقم ۳۵ درصد کاهش خواهد یافت و در پایان سال ۹۳ شاهد نرخ تورم ۳۰ درصدی یا کمتر خواهیم بود. بالطبع، بخشی از بار کنترل نقدینگی و مهار تورم بر عهده سیستم بانکی خواهد بود.
 - ۳- دو موضوع رقابتی کردن سیستم بانکی و ایجاد جذابیت برای جذب منافع بیشتر، به احتمال زیاد در دستور کار دولت در سال ۹۳ خواهد بود.
 - ۴- با توجه به نگاه تیم اقتصادی دولت در راستای ایجاد استقلال بانک مرکزی، تاثیرپذیری سیاست پولی از سیاست های مالی محدود خواهد شد.^۲
 - ۵- کاهش نرخ سودهای بانکی: وقتی سود سپرده ها برای همه بانک ها کاهش می یابد، بهای تمام شده پول نیز به تبع آن کاهش پیدا خواهد کرد. در واقع سودی که بانک به ازای هر واحد پول دریافتی پرداخت می کند کمتر خواهد بود که در واقع به نفع بانک ها می باشد. البته این امر دو تهدید را نیز در بر دارد: اولاً با کاهش نرخ سود سپرده ها، تسهیلات اعطایی نیز با نرخ پایین تری به وام گیرندگان تعلق خواهد گرفت. از آن جایی که یکی از درآمد های بانک ها از محل عایدات تسهیلات اعطایی می باشد، این امر به نفع آنها نخواهد بود. و ثانیاً با کاهش سود سپرده ها، جریان عظیمی از نقدینگی وارد بازار های رقیب، هم چون طلا، ارز، بورس و مسکن خواهد شد تا مردم به نوعی از تورم موجود عقب نمانند. این مطلب رقابت را در بین بانک ها برای جذب سپرده گذاران و وام گیرندگان افزایش خواهد داد.
 - ۶- کاهش تحریم: با کاهش تحریم ها چشم انداز خوبی در انتظار صنعت بانکداری است. چرا که با ورود به فضای بین الملل هزینه نقل و انتقال پول کاهش خواهد یافت. همچنین درآمد های ارزی غیر فعال دوباره به کشور بازخواهند گشت. از سوی دیگر تسهیل بازگشایی اعتبارات اسنادی (LC) نیز از دیگر مزایای این امر به حساب می آید.
- وی ادامه داد: بسیاری از شعب خارج از کشور بانک ها در حال حاضر رو به تعطیلی می باشند. بنابراین با کاهش تحریم ها و با توجه به این موضوع که بانک های ایران نرخ سود بالایی دارند، این شعب نیز می توانند از رونق دوباره ای برخوردار شوند.^۳

^۱ چالشهای صنعت بانکداری در سال ۹۳ - <http://www.donya-e-eqtesad.com/news/> ۷۹۴۶۰۰

^۲ چشم انداز صنعت بانکداری / غلامرضا خلیل ارجمندی. رییس هیات مدیره موسسه اعتباری توسعه / بورس نیوز / کدخبر: ۱۱۷۶۴۰

^۳ افق روشن صنعت بانکداری در بورس / محمد کفاش پنجه شاهی، مدیر عامل کارگزاری بانک مسکن

بحث و نتیجه گیری

صنعت بانکداری در ایران در چندسال گذشته مسیر پرفراز و نشیبی را سپری کرده است. در سال اخیر تحولات چشم‌گیری در این صنعت صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به کاهش نرخ مطالبات معوق، کاهش نرخ تورم و سیاستهای اخیر بانک مرکزی در مورد کنترل نقدینگی اشاره نمود. چنین شرایطی مدیران بانکی کشور را به سمتی سوق خواهد داد که علاوه بر بهره‌گیری از فرصتهای موجود سعی در بکارگیری روشها و متدهای جدید و همچنین فناوریهای جدید بنمایند. به برخی از این پیشرفتهای به همراه فرصتهای موجود در این مقاله اشاره شده است که جهت تحقیقات بیشتر می‌توان به موضوعاتی مانند «تضمین گروهی» و «اعطای وام گروهی» اشاره نمود.

سایتهای اینترنتی:

<http://www.chn.ir/NSite/FullStory/News/?Id=۹۲۰۰۵&Serv=۳&SGr=۲۲>

<http://fa.wikipedia.org/wiki/بانک>

<http://banki.ir/danestaniha/۲۱۶-banki/۲۲۵۶-historybank>

<http://www.tsetmc.com/Loader.aspx?ParTree=15131J&i=10523825119011581>

<http://www.tsetmc.com/Loader.aspx?ParTree=15131J&i=46342955726788357>

<http://www.myindustry.ir/strategic-management/article/swot-analysis.html>